

نقد و بررسی تبارنامه اشراقیان

زارع، زهرا، *تبارنامه اشراقیان*، تهران، هرمس، ۱۳۹۸، ۵۰۸ ص

سیما سادات نوربخش^۱

۱. معرفی و توصیف اثر

طرح جلد کتاب نمایی از ریشه درخت است که با عنوان آن یعنی تبارنامه سنخیت دارد. متن کتاب با دو اندازه متفاوت حروف‌نگاری شده است به طوری که نقل قول‌ها با فرورفتگی و اندازه کوچک‌تر به تحریر درآمده است و موجب تمایز متن از نقل قول می‌شود. عناوین اصلی و فرعی با حروف درشت‌تر و سیاه و غالباً با فاصله از متن متمایز می‌شود. موضوع این کتاب در حوزه فلسفه اسلامی و به طور خاص در فلسفه اشراق است و البته تمرکز اصلی آن به نسب‌نامه سهروردی یا شجره اشراقیان است. او در نوشته‌های مختلف خود در این باره سخن گفته^۲ و این قسمت از سخنان او نیاز به تفسیر دارد که بخش عمده آن در کتاب حاضر صورت گرفته است. نسب‌نامه سهروردی مبنای نظر وی به تاریخ است^۳. این کتاب علاوه بر مقدمه و نتیجه از سه فصل تشکیل شده است. مؤلف محترم در مقدمه به حیات و آثار سهروردی می‌پردازد. همچنین نسبت شیخ اشراق با تصوف و عرفان را بررسی می‌کند. در فصل اول جانب شرقی حکمت از منظر کتاب *مطارحات*^۴ سهروردی بررسی شده اگرچه در *حکمة الإشراق*^۵ نیز به پاره‌ای از این معارف استناد می‌کند.

در این فصل ابتدا به شخصیت‌های اساطیری ایران باستان یعنی شه‌ریاران روحانی و اشراقی شامل کیومرث، فریدون، کیخسرو پرداخته و سپس خمیره خسروانی در عرفان شامل بایزید بسطامی، حسین بن منصور حلاج، ابوالعباس قصاب آملی و ابوالحسن خرقانی بررسی شده است. در واقع نظر به این قسمت نزد سهروردی ناظر به گونه‌ای جهت‌شناسی نور

۱. دکترای فلسفه تطبیقی از دانشگاه شهید مطهری، noorbakhshsima@gmail.com

۲. «أنّ الحكماء الكبار منذ كانت الحكمة خطيئة في الزمان السابق، مثل والد الحكماء أب الأباء هرمس و قبله آغاناذيمون و إنباذقلس و عظيم الحكمة أفلاطون كانوا أعظم قدراً و أجلّ شأناً من كلّ مبرز في البرهانيات نعرفه من الإسلاميين» (سهروردی، *مصنفات*: ج ۱، *التلويحات*، ص ۱۱۱).

۳. سیدعرب، حسن: «نظریه تاریخ در نسب نامه سهروردی»، ص ۱۲۴.

۴. «للحكمة خميرة ما إنقطع عن العالم ابدأ» (سهروردی، *مصنفات*: ج ۱، *المشارع و المطارحات*، ص ۴۹۴). «لا يُعدّ الإنسان في الحكماء ما لم يطلع على الخميرة المقدسة» (همو، *مصنفات*: ج ۱، همان، ص ۵۰۳). «خميرة الفيثاغوريين: وقعت إلى أخی إخميم، و منه نزلت إلى سيّار تُستّر و شيعته. خميرة الخسروانيين في السلوك: فهي نازلة إلى سيّار بسطام و من بعده إلى فتى بيضاء و من بعدهم إلى سيّار أمل و خرقان. و من الخسروانيين خميرة وقعت إلى ما إمتزجت به طريقة من خمائر آل فيثاغورس و إنباذقلس و [[إسقليبيوس على لسان حافظي الكلمة من الجانب الغربي و الشرقي، و وقعت إلى قوم تكلموا بالسكينة يعرفون في دواوين القاصّة» (همو، *مصنفات*: ج ۱، همان، ص ۵۰۳).

۵. «المعلم الأوّل أرسطاطاليس و إن كان كثير القدر عظيم الشأن بعيد الغور تامّ النظر لا يجوز المبالغة فيه على وجه يفضي إلى الأزرأ بأستاذيه، و من جملتهم جماعة من أهل السفارة و الشّارعين، مثل آغاناذيمون و هرمس و إسقليبوس و غيرهم» (سهروردی، *مصنفات*: ج ۲، *حكمة الإشراق*، ص ۱۱).

است. سهروردی می‌خواهد به ما نشان دهد جهت اشراق، جهت ملکوت، جهت عالم معنا است. جهت جایی است که همه واقع‌های درخور اهمیت برای حکمت اشراقی، روی می‌دهد، واقعه‌هایی که هرمس، کیخسرو و زرتشت قهرمان آن هستند^۱.

شاکله کار بر ترتیبی سه‌گانه قرار دارد. ابتدا این اشخاص در سنت اساطیری ایران و با تمرکز بر اوستا، متون پهلوی و دیگر منابع موثق بررسی شده سپس به جهت تحول و استحاله‌ای که این افراد در سنت و منابع اسلامی یافته‌اند گزارش مجملی از منابع معتبر و تواریخ دست اول اسلامی درباره آنها ارایه شده است.

سرانجام از چرایی و چگونگی قرار گرفتن اینان در تبارنامه اشراقیان سخن گفته شده که به فراخور موضوع از تصنیفات شیخ اشراق و نیز از شروح شارحانی مانند شهرزوری و قطب الدین شیرازی و تعلیقه ملاصدرا و گاه از آثار نواشراقیان بهره برده است. بخش دوم فصل اول، نظام سه‌گانه مطالب، در قالب سوانح حیات، مشرب عرفانی و دیدگاه حکمت اشراق درباره آنان سامان یافته است. بررسی مسأله تاریخ در فلسفه سهروردی ربط میان نسب‌نامه معنوی وی را با درک او از تاریخ فلسفه نشان می‌دهد. سهروردی در این نسب‌نامه از بزرگان عرفان و فلسفه نام برده و نشان می‌دهد که ضمن نظر به تاریخ تفکر در عرفان و فلسفه، قصد داشته نظر به تاریخ را در فلسفه اشراق جای دهد. آنچه این ادعا را ثابت می‌کند وحدت این نام‌ها است. سهروردی در این مواجهه نسبت تاریخ و تفکر را طرح کرده است. بنابراین لازم است که ربط میان تاریخ و نسب‌نامه سهروردی معلوم گردد تا بتوان نخستین رهیافت نظری به تاریخ را در فلسفه اشراق نشان داد^۲.

در فصل دوم به جانب غربی حکمت و تعالیم آنان پرداخته شده است که شامل هرمس، اسقلیبوس، فیثاغورس، انبازدلس، افلاطون، ذوالنون مصری و سهل تستری است. ترتیب سه‌گانه فصل اول در فصل دوم هم رعایت شده است. یعنی ابتدا به سنت اساطیری، سپس به سنت اسلامی و در نهایت از منظر حکمت اشراق به این افراد توجه شده است. فصل سوم نیز درباره حکیم ترمذی است که با قرینه اصطلاح نور سکینه و پیوند آن به ولایت خمیره ممزوجه خسروانی و فیثاغوری بررسی شده است. انتهای کتاب نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد. مؤلف در پایان در جداولی تبارشناسی اشراقیان، از نظر نصر، کربن، والبریج و طرح پیشنهادی خویش را آورده است که امکان مقایسه آنها را میسر می‌کند. هدف از تالیف کتاب، نگاهی تاریخی و تحلیلی با ارایه قراین متنی و عقلی تبارنامه معنوی شیخ اشراق بوده نیز به دنبال ترسیم مختصات روشنی از طریقه عرفانی-حکمی سهروردی است. مسأله آن چرایی و چگونگی چیش گستره وسیع از اشخاص متعلق به سنت‌های گوناگون و نسبت اشراقی آنان با یکدیگر است.

^۱. Corbin, En Islam Iranian, v۷, p159.

^۲. سیدعرب، حسن: «نظریه تاریخ در نسب نامه سهروردی»، ص ۱۲۶-۱۲۷.

کتاب دارای ویرایش ادبی شامل علایم سجاوندی است و قواعد نگارشی و ویرایشی در آن رعایت شده است. همچنین اصول علمی ارجاع‌دهی درون متنی رعایت شده است و در پایان، کتابنامه مفصلی آمده است که نشان دقت علمی مؤلف محترم است.

۲. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

درسی به نام تبارشناسی در سرفصل‌های مصوب رشته فلسفه موجود نیست لذا این کتاب به عنوان کمک آموزشی و مطالعه بیشتر برای درس فلسفه اشراق قابل استفاده است. نیز به عنوان کتاب درسی تدوین نشده است در نتیجه فاقد ابزارهای آموزشی مانند تمرین، نمودار، جدول یا تصویر می‌باشد. این کتاب نگاه جامعی به تبار اشراقیان از منظر شیخ اشراق دارد که برای علاقه‌مندان به حکمت و فلسفه اشراق در تبیین و بررسی سابقه اندیشه اشراقی پیش از سهروردی مفید و پاسخگو است.

بخش‌های مختلف کتاب از نظم منطقی و انسجام کامل برخوردار است به طوری که موضوعات مشخصی در تفسیر آرا تمام حکماء بررسی شده است. در این اثر به مبانی و پیش فرض‌های علمی و پژوهشی التفات شده و آراء و نظرات مطرح شده به طور مستند نقد شده و در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی و خارجی دقت لازم بکار رفته است و در صورت نیاز توضیح برخی اصطلاحات در پانویس آمده است. ارجاعات درون متنی است و در انتها کتابنامه مفصلی آمده است که نشان رعایت اصول اخلاقی امانتداری و اصول علمی و مستند بودن مطالب می‌باشد. نیز از منابع معتبر و داده‌های روزآمد بهره برده است.

خلاقیت اثر به نحو تدوین مطالب و شیوه نگارش اثر مربوط می‌شود. سابق بر این کتابی با این تفصیل در تبارشناسی اشراقیان تالیف نشده است. در روند تدوین کتاب فقط به گزارش‌های تاریخی ضروری برای تحقیق بسنده نشده و از بسیاری نکات تاریخی پیرامون سوانح حیات این افراد گذر کرده است. به عنوان نمونه اگر از سفرهای بسیار حلاج سخن به میان آمده، بدان سبب است که از عبارات ظریفی، چون «فنی بیضا» و «سیار آمل و خرقان» که بر مبنای زادبوم این حکمای متاله در متن *المشارع و المطارحات* مورد عنایت قرار گرفته‌اند برای تحلیل دقیق‌تر و اثبات حضور قصاب آملی در این شجره‌نامه مدد گرفته شود. زیرا وجود شخص قصاب آملی در تبارنامه شیخ اشراق در آثار سهروردی پژوهانی چون کرین، نصر، والبریج و بسیاری دیگر مغفول واقع شده است. همچنین هرمس برخلاف فضای غالب بر مطالعات سهروردی پژوهی که عموماً در صدر هر دو جانب شرقی و غربی حکمت انگاشته می‌شود، به نظر مؤلف محترم با ادله و براهین علمی عدم سنخیت و مناسبت میان حکمت وجودی وی با حکمای جانب شرقی و حکمت شهودی مطرح شده لذا او در صدر جانب غربی حکمت قرار می‌گیرد (ص ۴۳۵).

در مقدمه (ص بیست و یک) این عبارت درباره محدوده حیات انبازقلس مطرح شده است: «در باب ترتیب تاریخی این افراد باید گفت که بنا به دریافت شیخ اشراق از ترتب حکمای یونان که البته مسبق به داده‌های تاریخی مورخان و

عقایدنگاران اسلامی اعم از عامری، شهرستانی، ابن صاعد اندلسی، قفطی، و سایرین است محدوده حیات انبذقلس (امپدوکلس) پس از فیثاغورث تصور شده است؛ حال آنکه این امر نه تنها با مشهورات و مسلمات تاریخی سازگار نیست بلکه بنا بر تواریخ فلسفه غرب و نیز با دقت در آرا و اندیشه‌های انبذقلس، فیثاغوری بودن او کاملاً روشن و مبرهن است». این عبارت برخلاف ادعای نویسنده و با فرض فیثاغوری بودن انبذقلس، تاخر محدوده حیات انبذقلس را نسبت به فیثاغورس می‌رساند مشخص نیست چرا نویسنده محترم آن را ناسازگار با مشهورات و مسلمات تاریخی می‌داند. به نظر می‌آید اشتباهی در حروف‌نگاری صورت گرفته باشد و بجای کلمه «پس» باید از کلمه «پیش» استفاده گردد زیرا سهروردی در حکمه الاشراق (ص ۱۰) و قصه الغریبه الغریبه (ص ۲۵۵) نام انبذقلس را پیش از فیثاغورث ذکر کرده و در قصه الغریبه الغریبه (ص ۳۰۰) فیثاغورث را شاگرد انبذقلس می‌داند.

۱. ارزیابی نهایی اثر

تبارنامه اشراقیان نخستین پژوهش دانشگاهی درباره سلسله نسب سهروردی است. شیوه مواجهه مؤلف با این بخش از فلسفه اشراق سهروردی نشان می‌دهد که تا چه اندازه حتی درک اصول فلسفه اشراق منوط به درک سلسله نسب معنوی سهروردی است. تلاش عمده برای یافتن منشأ این سلسله از مهم‌ترین بخش‌های مؤلف محترم برای تبیین جایگاه سهروردی در تاریخ فلسفه اسلامی است. آنگونه که در این کتاب تبیین شده است می‌توان انساب معنوی سهروردی را در تمام فلسفه اشراق دخالت داد. این سخن بدان معناست که سهروردی بخش‌های مهم فلسفه خود را بگونه‌ای با این سلسله پیوند داده است و ره‌آورد آن برای فلسفه اشراق تدوین منسجم آن در قالب فلسفه نور است زیرا نور وجه مشترک تمام سلسله معنوی سهروردی است. بنابراین *تبارنامه اشراقیان* به گونه‌ای تدوین یافته که نسبت آن با اصول اندیشه سهروردی بطور قطع ضروری است.

تبارنامه اشراقیان در نظر به نسبت معنوی سهروردی می‌کوشد نخستین پیوند معنوی را در تاریخ فلسفه اسلامی نشان دهد. این پیوند که در فلسفه اشراق روی داده مبین این نکته است که تاریخ از منظر این فلسفه رشته‌ای بهم پیوسته از اندیشه است و نمی‌توان آن را تنها زمان متصل فرض کرد. بنابراین سلسله نسب معنوی سهروردی برگرفته از گونه‌ای نظر به تاریخ است و بدون آن نمی‌توان به نسبت آن با اصول تفکر سهروردی اندیشید. یکی از اهداف *تبارنامه اشراقیان* نیز همین نکته است یعنی درک توأمان تاریخ و معرفت در فلسفه سهروردی که بخش عمده آن در اندیشه‌های سهروردی در قالب انتساب لایه‌های عمیق این اندیشه به جوانب مختلف معنوی در فرهنگ بشری بیان شده است. بنابراین نظریه تاریخ و معنویت به خوبی در *تبارنامه اشراقیان* ناظر به سلسله نسب سهروردی گردیده است.

نوع نگاه سهروردی به تاریخ معکوس است. شاید از این رو برای مانند هانری کربن^۱ (۱۹۰۳-۱۹۷۸م) مقایسه اندیشه سهروردی و مارتین هایدگر^۲ (۱۸۸۹-۱۹۷۶م) اهمیت داشته است. شایگان (۱۳۱۳-۱۳۹۷ش) در این باره گفته است:

^۱ Henri Corbin

^۲ Martin Heidegger

«اگر کرین از هیدگر به سهروردی روی آورد آیا وارثان اندیشه سهروردی می‌توانند به عکس او از سهروردی به هیدگر روی آورند؟ پیمودن این راه در جهت عکس کرین به معنای آن است که بتوانیم آن چه را که تاریخ وجود در غرب از سر گذرانده است باز بشناسیم. بتوانیم آن چه را افسونمان کرده و سرچشمه تکوینش بر ما معلوم نیست پاره پاره به اثبات برسانیم»^۱. بازگشت سهروردی به پیشینه تاریخ فلسفه و عرفان نشان می‌دهد که برای سیر تاریخ نظر به ادوار نخستین تاریخ فلسفه داشته است. او گاه در تبیین این مسأله رعایت تقدم و تأخر را هم نکرده زیرا این نوع نگرش را مسبوق به مرحله نازل‌تری از تاریخ می‌دانسته است. به هر حال نوع نگاه معکوس سهروردی به تاریخ از اصلی‌ترین رویکرد های او است.

تبارنامه اشراقیان می‌تواند بعنوان یکی از منابعی تلقی شود که در تاریخ فلسفه اسلامی از منظر طبقات معنوی اندیشه فیلسوفان به تبیین و تفسیر آرای آنان می‌پردازد. این نگاه برای نخستین بار در فلسفه اشراق مطرح شده و اکنون برای نخستین بار در *تبارنامه اشراقیان* بررسی می‌شود. در شناخت و بررسی تفصیلی شجره اشراقیان از منظر شیخ اشراق، جای چنین تحقیقی که مستند به منابع معتبر و موثق بوده و از لحاظ تاریخی سیر تطور آن در دوره اساطیری، اسلامی و حکمت اشراق بررسی شود، خالی بود که به همت سرکار خانم زارع این خلا مرتفع شد. شاید بهتر بود در عنوان کتاب عبارت «از منظر سهروردی» افزوده می‌شد زیرا بر مبنای *المشارع و المطارحات* سهروردی نگاشته شده است. این کتاب برنده جایزه پنجمین دوره جایزه دکتر فتح الله مجتبیایی شده است.

منابع:

سهروردی، شهاب الدین، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، ج ۱ و ۲، تصحیح و مقدمه هانری کرین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
سیدعرب، حسن: «نظریه تاریخ در نسب‌نامه سهروردی»، *حکمت نامه مفاخر (فصلنامه تخصصی)*، سال دوم، شماره دوم، (پاییز ۱۳۹۶)، ص ۱۲۳-۱۳۵.

Shayegan, D, Henry Corbin: La Topographie Spirituelle de l'islam Iranien. Paris, 1990.
Corbin, H., En Islam Iranien Aspects Sirituels et Philosophiques, v1-2. France: Editions Gallimard, 1971.

¹ . Shayegan, Henry Corbin, p286.